

توانمندسازی جوامع محلی و تأثیر آن بر توسعه گردشگری روستایی

تهمینه اسدی امیری*؛ دانشجوی دکتری گردشگری دانشگاه بین‌المللی آلگارو پرتغال

دریافت مقاله: ۹۶/۵/۱۱

پذیرش نهایی: ۹۶/۷/۱۰

چکیده

فرایند توانمندسازی جوامع محلی و نقش مؤثری که در راستای توسعه مناطق روستایی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی می‌توانند ایفا کنند، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه‌ها برای غلبه بر معضلات مناطق روستایی محسوب می‌شوند. هدف اصلی از تحقیق حاضر، این است تا عناصر توانمندسازی جوامع محلی را به خوبی آشکار کند که این مقوله به نوبه خود، به ارتقاء سطح کیفیت زندگی مردم محلی و رشد اقتصادی مناطق روستایی کمک می‌کند. پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش اسنادی، برخی از کتاب‌ها و مقالات منتشر شده داخلی و خارجی در این زمینه بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی جوامع محلی، موجب حضور مداوم و همه‌جانبه روستائیان در عرصه فعالیت روستایی و هدایت و توجه دادن روستائیان به افزایش انگیزش‌های خودباوری و خوداتکایی، منجر به بهبود محیط‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در روستا می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، جوامع محلی، گردشگری روستایی، توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی.

مقدمه

فقدان آگاهی و آشنایی عمومی جامعه محلی در مورد گردشگری یکی از مهم‌ترین حلقه‌های گمشده است که به شکست توسعه گردشگری در جوامع خاص منجر شده است. از این رو، توانمندسازی جامعه محلی، جوامع را به طور فعال در برنامه‌ریزی، توسعه و اجرای گردشگری مشارکت می‌دهد. نبود ظرفیت درست جامعه جهت تسلط بر گردشگری موجب شده، مزایای حاصل از توسعه گردشگری، اغلب به خارج از جامعه برده شود. با توجه به این حقیقت، نتایج توسعه گردشگری در خارج از جوامع مقصد بوده و جامعه محلی، حداقل سود را خواهد برد. در حالی که عواقب منفی متعاقب توسعه گردشگری و فعالیت‌های گردشگری، دامن‌گیر جامعه محلی است. بنابراین، توانمندسازی و توسعه جامعه، به عنوان عنصر کلیدی برای موفقیت گردشگری مبتنی بر جامعه ضروری است اهمتی^۱، (۲۰۱۳)

بسیاری از جوامع متوجه شده‌اند که توسعه گردشگری، نه تنها تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی، بلکه، محرکی جهت تغییر در مزایای اجتماعی، فرهنگی و محیطی نیز می‌باشد (بارومی^۱، ۲۰۰۸). اعتقاد دارد که انگیزه اکثر جوامع برای توسعه گردشگری، افزایش توانایی اجتماعی در برنامه‌ریزی و کنترل جامعه محلی بوده است. علاوه بر این (تاهامپسون^۲ و لیتلجهونس^۳، ۲۰۰۱)، معتقدند که توانمندسازی جوامع محلی موجب می‌شود که افراد جامعه در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و فرهنگی و توسعه اقتصادی مشارکت و کنترل داشته باشند. همچنین، در مطالعات مختلف، در دهه اخیر، مشاهده شده که روند گردشگری روستایی در کشورهای توسعه‌یافته در حال افزایش بوده و در نتیجه، موجب افزایش اقتصاد روستایی بوده است.

بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یک کشور در حال توسعه مانند ایران، با وجود روستاهای متعدد با فرهنگ غنی، نیز می‌تواند چنین موفقیتی را، در صورت توجه مناسب به عناصر توانمندسازی، در راستای توسعه روستاها داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که در ایران، دولت اقدامات لازم را جهت استفاده از نیروهای مردمی در فرایند تصمیم‌سازی و برنامه روستایی انجام داده است. همچنین، دولت ایران در حال حاضر، در حال توسعه گردشگری روستایی برای حفظ اقتصاد محلی و افزایش اشتغال و رشد است.

اگر چه گردشگری روستایی به عنوان یکی از ویژگی‌های جدید در تأمین فرصت‌های گردشگری ایران محسوب می‌شود (قادری^۴ و هندرسون^۵، ۲۰۱۲)، اشاره می‌نماید که: «در ایران، دولت اهمیت فزاینده‌ای برای گردشگری روستایی قائل است و چندین طرح را راه‌اندازی کرده است، اما، تحقیقات اندکی انجام شده که تنها در داخل یک جامعه محلی قرار دارد».

تقریباً، می‌توان ادعا کرد که هر روستا از مزیت نسبی و استعدادها و توانایی‌های خاصی برخوردار است. لذا، این امکان تنها مختص همان منطقه است که زمینه مناسبی را برای توانمندسازی مردم محلی در مقاصد روستایی را فراهم می‌آورد. در فرایند توانمندسازی جوامع محلی، بایستی با توجه به پتانسیل‌های بالقوه روستا همانند گردشگری، صنایع تبدیلی، کشاورزی و مانند آن در جهت توسعه روستا گام برداشته شود. زمانی که مزیت نسبی روستا مشخص و مسجل شد، جوامع محلی با توجه به

1. Baromey
2. Thompson
3. Littlejohns
4. Ghaderi
5. Henderson

این اولویت، انگیزه بیشتری جهت ظرفیت سازی، مشارکت و سرمایه گذاری در آن مزیت را خواهند داشت (مدیریت روستایی، ۱۳۹۰).

راهبرد توسعه جامعه ای مطرح شده به دنبال توانمندسازی توده روستایی، از طریق تقویت نهادهای اجتماع محلی، درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و تصمیم گیری جمعی بود. به طوری که این راهبرد به مثابه فرایندی تعریف می شد که مشارکت مستقیم مردم در حل مشکلاتشان تضمین می گردید. این راهبرد، نوید می داد که هم پایه های نهادهای دموکراتیک را بنا کند و هم بدون تحولات انقلابی در نظم سیاسی و اقتصادی موجود در تأمین رفاه مادی روستائیان مشارکت کند.

تاکنون، کشورهای جهان سوم اقدامات گسترده ای با هزینه های گزاف، صرف خدمات رسانی به منظور جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها انجام داده اند. برای مثال، کشور ایران، خدماتی نظیر برق رسانی به روستاها، ایجاد راه های روستایی، تأمین آب آشامیدنی روستاها، احداث مدارس روستایی، ایجاد و توسعه صنایع روستایی و سایر خدمات زیر بنایی در روستاها را انجام داده است. انجام خدمات ذکر شده و سایر اقدامات دولت در خصوص عمران روستاها با هدف عمده جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها، معکوس نمودن روند مهاجرت و در نهایت، حفظ روستاها بوده است (اکرس فریا^۱ و روئیز بالسفوس^۲، ۲۰۱۶). سؤالات مختلفی را در ذهن تداعی می کند. ابهاماتی نظیر آیا با این رویکرد، روند مهاجرت از روستاها معکوس و یا متوقف شده است؟ آیا مهاجرت از شهر به روستا در صورت امکان، دارای توجیه اقتصادی است؟ آیا سیاست اجرا شده موجب حفظ روستا شده است؟ (مدیریت روستایی، ۱۳۹۰) در صورت منفی بودن پاسخ، کلید گمشده این مشکل در توانمندسازی جوامع محلی که محور اصلی این مطالعه می باشد مطرح می گردد.

هدف از این مطالعه عبارت است از:

۱- شناسایی سیاست های اجرایی توانمندسازی جوامع محلی در روستاها، به ویژه، روستاهای

مناطق محروم؛

۲- یافتن تأثیر مثبت طرح های توانمندسازی جوامع محلی بر روی جوامع محلی؛

۳- دستیابی به عناصر توانمندسازی جوامع محلی در توسعه گردشگری روستایی.

انتظار می رود که این مطالعه بتواند عناصر توانمندسازی جوامع محلی را به خوبی آشکار کند که این مقوله، به نوبه خود جهت کمک به ارتقاء سطح کیفیت زندگی مردم محلی و رشد اقتصادی،

1 . Aceres-Feria

2 . Ruiz-Ballesteros

اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی و توسعه گردشگری روستایی بوده و قادر به پاسخگویی به چالش‌های تغییر در آینده باشد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

الف) توانمندسازی:

مفهوم توانمندسازی، اولین بار در کشورهای در حال توسعه در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰، به صورت نهادسازی که برگرفته از مدل غرب اروپا بوده و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، به صورت نهاد تقویت و توسعه نیز مطرح شده بود. آغاز شهرت مفهوم توانمندسازی جوامع محلی در مناطقی که رشد اقتصادی داشته‌اند، بود (عبدالرزاق^۱، ۲۰۱۲).

توانمندسازی، فرایندی است که به عنوان طرحی راهبردی برای توسعه در طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ توسط سازمان ملل متحد (UNDP) مطرح شده بود. ترویج رویکرد توانمندسازی برای توسعه، در ۱۶۶ کشور دنیا مطرح شده که در سطوح سازمان یافته متمرکز شده است. به نظر سازمان ملل متحد، گام‌های مؤثر بر توانمندسازی عبارتند از تعامل ذی‌نفعان در توسعه ظرفیت، ارزیابی ظرفیت نیازها و دارایی‌ها (خواسته‌ها و داشته‌ها)، تنظیم واکنش ظرفیت توسعه، پیاده سازی واکنش ظرفیت توسعه و ارزیابی توسعه ظرفیت هستند. (United Nations Development Programme) توانمندسازی جوامع محلی (CCB) شرطی لازم برای بهبود روند توسعه گردشگری و افزایش مزایای آن برای جوامع محلی است. از ویژگی‌های جامعه محلی می‌توان به شناسایی، تجهیز و حل مشکلات اشاره کرد (چاکسین^۲، ۲۰۰۱). تعریف بسیار مفیدی از جوامع محلی ارائه داده که در نتیجه تعامل دولت با همکاری مسئولین محلی و استفاده از منابع موجود برای حل مشکلات و بهبود جامعه خاصی انجام می‌گیرد.

تحقیق و توانمندسازی روستای با تاکید بر انسان به جای اقتصاد مطرح است، یعنی مفهوم جدیدی از توانمندسازی روستایی در قالب توانمندسازی انسانی. براساس این قالب بندی جدید، لازمه توانمندسازی روستایی، ایجاد تغییرات کیفی در درون روستا است. مردم باید توانایی خود را به منظور فائق آمدن بر مشکلات افزایش دهند. لازم است روحیه اعتماد به نفس، ابداع و خود اتکائی بیشتر، تشویق شود تا مردم را قادر سازد منابع و امکانات خود را به طور مؤثر و کارآتری در جهت دستیابی به

1 . Abdul Razzaq

2 . Chaksin

اهداف خود بسیج نموده و به کار گیرند. بنابراین، توانمندسازی و بالطبع، توسعه ای که در مناطق روستایی دنبال می شود، باید دارای خصوصیات زیر باشد:

توانمندسازی باید تغییری در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.

مردمی که از توانمندسازی سود می برند، باید بیش از مردمی باشند که از آن متضرر می شوند.

توانمندسازی، باید مردم را نسبت به تامین حداقل نیازهای ضروری زندگی مطمئن سازد.

توانمندسازی، باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.

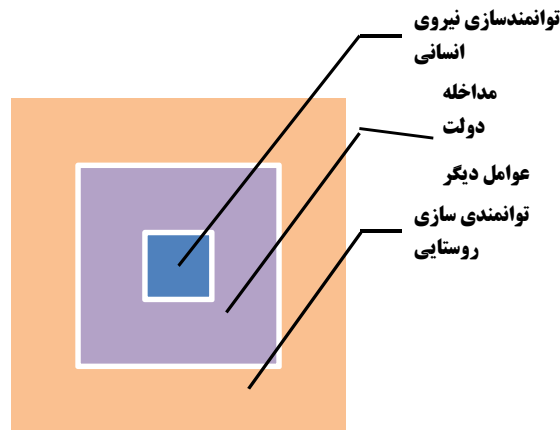
توانمندسازی، باید موجب تشویق خوداتکایی شود.

توانمند سازی، باید بهبودی طولانی و مستمر و مداوم به ارمغان آورد.

تصویری که از توانمندسازی روستایی، از دیدگاه نیروی انسانی ترسیم می شود، صرفاً در قالب بهبود کشاورزی و درآمد سرانه نیست، بلکه، به عنوان مفهوم جامعی مطرح می شود که طیف وسیعی از مسائل انسانی را در بردارد. در این رویکرد، تکیه بر انسان به جای اقتصاد پیش قدم می شود. هدف و یا به عبارت دیگر، محصول و نتیجه چنین توانمندی، نیروی انسانی است. منظور از توانمندسازی روستایی، تبدیل جوامع روستایی به جامعه شهری و مدرنیزاسیون نیست، بلکه، طرح این واقعیت است که شیوه دیگری هم برای زندگی بشر وجود دارد و اینکه مناطق روستایی چنین قابلیت و امکاناتی را برای این منظور دارند (مدیریت روستایی، ۱۳۹۰).

توانمندی نیروی انسانی حاصل ترکیب عواملی چون سیاست‌های دولت، ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه، منابع خدادادی منطقه‌ای و تاریخچه فرهنگی می‌باشد. در این میان، دولت دارای نقش کلیدی و مؤثری است. نقشی که میزان دخالت آن اندازه بهینه‌ای دارد، نه کمتر و نه بیشتر. البته، روش و چارچوب برخورد دولت باید شناسایی و مشخص گردد تا به عنوان پایه و اساس نحوه دخالت مؤثرتر دولت، مورد استفاده قرار بگیرد.

شکل(۱): مدل مفهومی ارتباط میان توانمندسازی انسانی و توانمندسازی روستایی



عناصر اصلی توسعه که در کنار توانمندسازی همه جانبه روستایی مطرح هستند عبارتند از:
توسعه کشاورزی کاربر،

کسب و کارهای عمومی کوچک و اشتغال‌زا،

تأسیس صنایع سبک و کوچک کاربر در مزارع و حواشی آنها،

خودپاری و مشارکت محلی در تصمیم‌گیری‌ها،

توسعه یک نظام سلسله مراتب شهری برای پشتیبانی توسعه روستایی،

امکانات نهادی مناسب برای هماهنگی پروژه‌های چند بخشی (پاپلی یزدی و امیرابراهیمی، ۱۳۸۱).
در اینجا، بیشترین تاکید بر موضوعات مهمی است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از عناصر و عوامل مکانی و انسانی روستایی است. این عوامل شامل: آموزش، بهداشت، مسکن، خدمات و تسهیلات عمومی، ظرفیت برای رهبری و نظارت، میراث فرهنگی و همچنین، بخش‌های اقتصادی عمومی و بخشی می‌باشد (موسلی^۱، ۲۰۰۳).

مشارکت روستایی یعنی؛ دخالت دادن مردم روستا در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و اجرای طرح‌ها و سهیم نمودن آنها در منافع طرح‌های توسعه و مداخله آنها در ارزیابی طرح‌ها. همچنین، مشارکت در نواحی روستایی به مفهوم ساماندهی رابطه متقابل انسان روستایی با محیط جغرافیایی یا بهره‌وری بهینه در سطوح مختلف تولید کشاورزی می‌باشد. در اولین راهبرد توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم، راهبرد توسعه جامعه‌ای مطرح شده به دنبال توانمندسازی توده روستایی از طریق تقویت نهادهای اجتماع محلی درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و تصمیم‌گیری جمعی بود. به طوری که

¹ . Mosely

این راهبرد، فرایندی تعریف می شد که مشارکت مستقیم مردم در حل مشکلاتشان تضمین می گردید. این راهبرد نوید می داد که هم پایه های نهادهای دموکراتیک را بنا کند و هم بدون تحولات انقلابی در نظم سیاسی و اقتصاد موجود در تأمین رفاه مادی روستائیان مشارکت کند (مدیریت روستایی، ۱۳۹۰).

توان افزایی محلی از این رو اهمیت دارد که می تواند در ایجاد چرخه های پایدار تواناساز مؤثر واقع شود. در این جا فرایند توان افزایی محلی منجر به مشارکت آگاهانه و فعال مردم در اجتماع محلی می گردد. این فرایند مانند بسیاری از فرایندهای اجتماعی دیگر، فرایندی است تدریجی که با تجربه های کوچک آغاز می شود. سرمایه اصلی در این تجربه های کوچک، اعتمادی است که مردم به هم می کنند. مردم کم کم فرا می گیرند که گرد هم آمده و با هم درباره نحوه تأثیرگذاری طبیعی موجود در محیط گفتگو کنند. تجربیات خود را با هم در میان بگذارند و تلاش کنند که با درک نیازها بر منابع مشترک، برنامه ای را به منظور بهبود وضع موجود طراحی کنند. تجربه با هم بودن، با هم نشستن، با هم فکر کردن و گفت و شنود و مشاهده، تجربه شیرینی است که یک تسهیل گر محلی می تواند نقش مهمی را در شکل گیری و تقویت آن ایفا نماید (نوری نشاط، ۱۳۸۹).

در این جا، آنچه اهمیت دارد، این است که مردم خود وضعیت موجود را بهتر از دیگران درک کنند و در این صورت، بهتر می توانند وضعیت منابع طبیعی را مورد تحلیل قرار دهند و به دنبال راهکارهای محلی برای بهبود حفاظت از محیط زیست باشند. با یافتن بهترین چاره، آن را عمل کنند، و چون خود مردم در سطح محلی در طراحی این چاره شرکت داشته اند، نسبت به آن حس مالکیت دارند و در این صورت، وارد اجرا می شوند. در ادامه این مسیر، مردم خود فعالیت های انجام شده را ارزیابی می کنند، از جریان امور درس می گیرند و بر تجربه های محلی خود می افزایند.

توان افزایی محلی فرایندی پویا و چرخه ای است تواناساز که وقتی افراد به آن وارد می شوند، به تدریج، تجربه های جدید را فرا می گیرند، دانش بومی از دست رفته خود را باز می یابند. با فنون و تکنیک های جدید آشنا می شوند، سطح دسترسی آنان به منابع، به ویژه، به اطلاعات تغییر می یابد، و به گونه ای از خود آگاهی دست می یابند که می دانند چه می کنند و در کجا هستند. با آن وصف، وقتی یک فرایند تواناساز آغاز می گردد، مردم توان بیشتری برای حفاظت از محیط زیست می یابند و بهتر می توانند برای بهبود پایداری منابع خود اقدام کنند. هر چند توان افزایی فرایندی است که در آن افراد توانا می شوند، ولی، اصولاً یک فرایند گروهی است و در جریان آن میزان اعتماد افراد به یکدیگر اضافه

می‌شود، تجربه همکاری و کار گروهی به میزان همبستگی اجتماعی آنها می‌افزاید و باعث تقویت هویت اجتماعی تک تک افراد شرکت کننده می‌شود (نوری نشاط، ۱۳۸۹).

وقتی مردم احساس ارزشمندی می‌کنند و حس می‌کنند که شایستگی و توان کنترل محیط زیست یا منابع خود را دارند، به این تشخیص می‌رسند که می‌توانند با دیگران برای تأثیر گذاشتن بر شرایط مؤثر بر زندگی و منابع موجود در محیط پیرامون خود مشارکت کنند. این فرایند و نتایج آن، توان‌افزایی نامیده می‌شود. مشارکت یعنی فرایند به کارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی ذی‌نفعان، برای دستیابی به یک هدف گروهی. در این فرایند، رفتار آگاهانه، خرد جمعی، پذیرش جمعی، انتخاب وجود نیازهای مشترک اهمیت دارند. آنچه در یک فرایند مشارکت موفق، مهم است احساس نیاز برای حل مشکل، شناخت آن مشکل و احساس نیاز به همکاری گروهی، با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از توانایی‌ها و امکانات موجود و حداکثر استفاده از آنهاست (نوری نشاط، ۱۳۸۹).

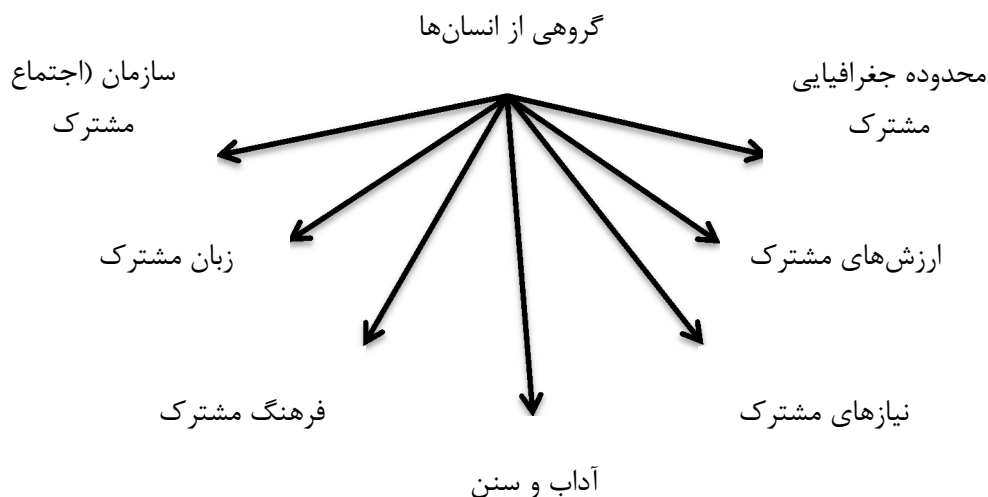
ب) جوامع محلی:

گروه محلی یک گروه پیشرو و خودجوش از میان مردم محلی می‌باشد که نیازها و دغدغه مشترک آنها را گرد هم آورده است. گروه محلی، نقش مهمی در ایجاد هویت اجتماع محلی در میان اعضای خود دارد. یکی از شاخصه‌های مهم توسعه محلی، وجود این گروه‌هاست و از همین رو، تعداد و کیفیت فعالیت این گروه‌ها بسیار مهم می‌باشد. در واقع، توسعه اجتماعی و اقتصادی بدون گروه‌های محلی مقدور نیست. این گروه‌ها هر چند غیر رسمی اند، اما می‌توانند دارای هویت رسمی باشند. نکته مهم این است که این گروه‌ها به افراد مسئول دسترسی دارند و گاه نیز تسهیل‌گران می‌توانند آسان کننده فرایند تشکیل یا انسجام گروه محلی باشند (نوری نشاط، ۱۳۸۹).

گروه محلی، اجتماعی است که در آن گروهی از انسان‌ها در یک محدوده جغرافیایی مشخص دارای نیازها، زبان، فرهنگ، آداب و سنن و ارزش‌های مشترک هستند و از یک سازمان اجتماعی برخوردارند. در مورد جامعه محلی، ذکر دو نکته ضرورت دارد:

ممکن است که انسان‌ها در مکانی در کنار یکدیگر زندگی کنند اما، اجتماع به حساب نیایند. زیرا در واقع به واسطه نوع زندگی که انتخاب کرده‌اند، منفک از هم زندگی می‌کنند. در این صورت، لازم است که اجتماع سازی صورت گیرد. در واقع، اجتماع سازی از اهمیت فزاینده‌ای در فعالیت‌های اجتماع محور برخوردار است و گاه گفته می‌شود که فعالیت اصلی یک تسهیل‌گر یا گروه تسهیل‌گر در جامعه محلی، اجتماع‌ساز است.

در برخی مواقع، دیده شده است که برخی از جوامع، از محدوده جغرافیایی یا محل یکسانی برای سکونت همه اعضای اجتماع برخوردار نیستند (مانند جوامع مجازی). ولی به هر حال نوعی وابستگی مکانی یا هویت اجتماعی مشترک برخاسته از یک محل تولد واحد وجود دارد (مانند بروجردی‌های ساکن تهران یا انجمن مجازی قشقایی‌ها) (نوری نشاط، ۱۳۸۹).



ج) گردشگری روستایی:

گردشگران مجذوب شیوه زندگی مردم در حومه‌های سنتی شده و صفا و صمیمیت و نیز کیفیت زندگی روستایی موجب جذب آنها می‌شود. برخی انگیزه پیدا می‌کنند که قسمتی از این جذابیت روستایی را خریداری کنند، چیزی که در زندگی روزمره آنها وجود ندارد. با وجودی که از دست دادن جمعیت در بسیاری از مناطق روستایی، به دلیل تحول ساختار اقتصادی محلی و در نتیجه، رکود فعالیت‌هایی مانند مزرعه داری یا ماهیگیری رخ داده است، این تحولات، باعث از بین رفتن مشاغل روستایی و مهاجرت به خارج از منطقه انجامیده است (جورج ای واند، ۱۳۹۱).

در گردشگری روستایی، ساکنان محلی از جاذبه‌ها، خدمات، تسهیلات و زیر ساخت‌ها استفاده می‌کنند. ساختار اجرای برنامه‌ریزی گردشگری در مناطق روستایی، علاوه بر پیروی از فرایند برنامه‌ریزی ذکر شده و براساس حفظ و بقاء بافت سنتی، فرهنگ محلی و مشارکت فعالانه مردم محلی انجام می‌شود.

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری

فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و غیره موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است. ضرورت توجه و تقدم به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی قرار دارند، بلکه، به این علت است که راه حل نهایی مسئله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰). توسعه روستایی، فرآیندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار آسیب پذیر است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۲).

د) توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی:

توسعه پایدار فرایندی است متداوم، همه جانبه، سازگار با محیط زیست، همراه با بهبود وضعیت و رفاه در جهت تأمین نیازهای امروز و حفظ منابع و تضمین آن برای آیندگان. توسعه پایدار، در واقع، مجموعه‌ای از سیاست‌هایی است که توسعه را به صورتی هماهنگ در سه حوزه توسعه انسانی (توسعه اجتماعی و افزایش مشارکت گروه اجتماعی در توسعه)، توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست (حفظ منابع و استفاده پایدار از منابع موجود) به پیش می‌برد (نوری نشاط، ۱۳۸۹).

توسعه محلی با افزایش سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع محلی امکان پذیر می‌گردد، به گونه‌ای که ظرفیت‌های محلی به اندازه کافی افزایش می‌یابند تا به تدریج، خود مردم محلی بتوانند با مشارکت آگاهانه و فعالانه خود آینده‌ای بهتر را برای اجتماع، با تاکید بر حفاظت از محیط زیست رقم بزنند. وقتی گفته می‌شود پایدار، منظور این است که مردم به صورتی پایدار از منابع طبیعی استفاده می‌کنند که هم نیازهای امروز آنها تأمین می‌شود و هم برای مصرف آیندگان تضمین می‌گردد. پایداری همچنین، به این مفهوم است که اگر مداخله‌ای برای تغییر سازگار با محیط زیست صورت می‌گیرد، فرایندی که به دست خود مردم آغاز می‌گردد، بدون گروه مداخله‌گر (تسهیل‌گران) همچنان ادامه می‌یابد و مردم توانمند محل، خود بهبود وضعیت منابع طبیعی خود را به صورتی پایدار و بدون وابستگی به توان تسهیل‌گر بیرونی، به وجود می‌آورند. پایداری همچنین، به معنای دسترسی به منابعی است که امکان تغییر مداوم را به وجود آورد (نوری نشاط، ۱۳۸۹).

برای رسیدن به توسعه پایدار، توجه به چند مولفه اساسی در دستور کار «نشست سران زمین» قرار گرفت، این مولفه‌ها عبارتند از:

۱. انسان (تاکید بر رفتار اجتماعات محلی)؛
۲. محیط زیست (شامل عناصر بوم‌شناختی پایه)؛
۳. زنان (به مثابه نیمی از جمعیت)؛

۴. کودکان و نوجوانان (به مثابه تصمیم گیرندگان آینده جامعه)؛
۵. فرهنگ (شامل نگرش، رفتار و ارزش‌های معنوی)؛
۶. آموزش (فرآیندهای توانمندسازی و ...)
۷. امنیت (اجتماعی، غذایی ...)
۸. مشارکت.

همگی این عناصر در شکل‌گیری توسعه پایدار و استمرار آن نقش اساسی دارند.

افزایش سطح معلومات و مهارت‌های اعضای جامعه روستایی، هدف اصلی از توسعه روستایی برای دستیابی به افزایش کیفیت زندگی و اشتغال است (مدیریت روستایی، ۱۳۹۰) میسر اعتقد است که توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. همچنین، موردی از رفاه اجتماعی هم نمی‌باشد که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازمندی‌های اولیه و اساسی انسانی مرتفع گردد، بلکه، توسعه روستایی طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون و بسیج انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری موجود توانا سازد.

توسعه روستایی را باید به منزله یکی از اجزای جدایی ناپذیر و نیز نیروی محرکه کل فرآیند توسعه به شمار آورد، لذا، توسعه روستایی را نباید نوعی فعالیت بخشی تلقی کرد، بلکه، باید آن را نوعی هسته چند بخشی یک فرآیند توسعه گسترده تر قلمداد نمود. به عبارتی، توسعه روستایی صرفاً به معنی معکوس کردن روند توسعه، برنامه ریزی و اجرا از مناطق شهری به روستا و تخصیص منابع مالی و اقتصادی هم در سطح ملی و هم در سطح محلی است (منخب، ۱۳۶۵).

توسعه روستایی جزئی از توسعه ملی است و دارای مفهوم ارزشی بوده و هدف از آن ایجاد تحول فکری و عقیدتی و افزایش توانایی‌های جامعه روستایی به منظور رفع نیازهای مادی و معنوی در جهت رشد و تعالی می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۲).

در دوره‌های اخیر، توسعه روستایی در قالب توسعه مشارکتی مطرح شده که در بردارنده ابعاد توسعه روستایی یکپارچه و پایدار و همچنین مشارکت مردم در جریان توسعه است. یکی از ابعاد توسعه یکپارچه و پایدار که می‌تواند تأثیری همه جانبه بر زندگی مردم روستایی داشته باشد، بسط و گسترش گردشگری در محیط روستا می‌باشد. توریسم در محیط روستا از طریق نفوذ و تأثیر بر کلیه جوانب زندگی روستایی، باعث توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی کالبدی می‌شود. همچنین باعث مشارکت و درگیری همه اقشار مردم در فرآیند توسعه یکپارچه روستایی می‌شود. به طور همزمان، گردشگری هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته، ابزار مهم و

معتبری برای پایداری و متنوع سازی اقتصاد روستایی است. با توجه به کاهش نقش کشاورزی و افزایش انزوای بسیاری از نواحی روستایی، گردشگری یک «محصول نقدی» نو در نواحی روستایی محسوب می شود. محصولی که از تبدیل نواحی روستایی به نواحی فقیر و در حال فرسایش جلوگیری کرده و روح روستا را در کالبد زمان محبوس نمی کند.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش اسنادی، برخی از کتابها و مقالات منتشر شده داخلی و خارجی در این زمینه بررسی شده است تا چارچوب نظریه ای بررسی این موضوع به منظور استفاده متخصصان و برنامه ریزان و علاقه مندان فراهم گردد.

یافته ها

در برنامه ریزی موفقیت آمیز توانمندسازی جوامع محلی، تحرک بخشیدن به منابع محلی و دستیابی به مشارکت اجتماع ضروری است. البته، مشارکت به مفهوم توانمندی در این مطالعه مورد نظر می باشد. در این شکل از مشارکت، اجتماعات محلی خود سازمان یافته هستند. آنها در زمینه فعالیت های توسعه ای مقصد روستایی تصمیم می گیرند. در این رویکرد، بر روی گسترش یابی و پایداری ظرفیت های توسعه ای یک مقصد در امتداد با خوداتکایی در برنامه ریزی و مدیریت توسعه پایدار گردشگری تاکید می شود. مردم در زمینه آینده خودشان و مسیر پایداری براساس نقطه ضعف های فعلی و پتانسیل های آتی تصمیم می گیرند. توانمندسازی محلی در برنامه ریزی توسعه روستایی چهار بخش تصمیم سازی، اجرا، سهم بردن از منافع و نظارت و ارزیابی را در بر می گیرد.

ترکیب این چهار نوع تحت هر اصطلاحی، چرخه ای برای برنامه ریزی و فعالیت های توسعه روستایی پایدار می باشد. به عنوان مثال، هماهنگی، نظارت، سپردن قدرت تصمیم سازی، مسئولیت پذیری و درگیر شدن که شامل عناصر فنی و انسانی است (مدیریت روستایی، ۱۳۹۰). و البته با تاکید بر اینکه در روستاها عوامل و سرمایه های ارزشمندی اعم از نیروی انسانی، طبیعی و اقتصادی (کوئترا و همکار، ۲۰۱۲) به عنوان ذخایر استراتژیک وجود دارند که در پیشرفت جامعه نقش مهمی را ایفا می کنند.

ابعاد توانمندسازی جوامع محلی و فرایند مشارکت مردم در توسعه روستایی به شرح ذیل می باشد:

الف) انگیزش:

ایجاد انگیزه واحد در توانمندسازی جوامع محلی واژه ای کلیدی است که موجب حس تعامل مشترک بین اعضای جامعه می گردد (باختر، ۱۹۹۸). پس، می توان گفت اولین گام در توانمندسازی

جوامع محلی، ایجاد انگیزه های اجتماعی، اقتصادی در جامعه روستایی است. قطعاً تحقق اهداف مقاصد پایدار روستایی در سایه علاقه و انگیزه اقتصادی و اجتماعی مشارکت جویانه مردم محلی صورت خواهد پذیرفت.

ب) اعتماد سازی:

اعتماد و اطمینان مردم در امر سرمایه گذاری، مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی یک اقدام ضروری می باشد (هال^۱، ۲۰۰۵). زیرا، مردم می خواهند بدانند در یک ارتباط دو طرفه و یا چند جانبه مشارکت کنندگان چه دستگاه ها و نهادهایی که آنان را به طور مستمر مورد حمایت قرار می دهند. همچنین، یک حس و انگیزه مشترک در به سرانجام رسیدن کارها برای رسیدن به یک هدف واحد را منجر می گردد.

ج) آموزش یا دانش:

آگاهی مردم از فرایند توسعه مقاصد پایدار به ویژه، برنامه های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی و ضرورت همفکری آنان در این برنامه ها، از پیش نیازهای اصلی توانمندسازی جوامع محلی است. آموزش به عنوان ابزاری اجتماعی در شناخت مسائل و مشکلات مربوط به روستا و پروژه های توسعه روستایی شناخته شده است. تجربه نشان داده است که در دخالت جوامع محلی در صورتی که روستائیان فاقد کمترین مهارت و قدرت قضاوت برای اتخاذ تصمیم های لازم باشند، غیر مؤثرند. بر همین اساس، قبل از اینکه به جوامع محلی به عنوان مشارکت کنندگان توسعه نگاه کنیم، لازم است از طریق آموزش مستمر، آگاهی های لازم به آنها منتقل گردد.

د) سازماندهی:

سازماندهی مردم در قالب تشکل های محلی شامل گروه ها، انجمن ها، تشکل های صنفی مختلف باعث می شود تا روستائیان متفرق و پراکنده، انسجام یافته و مسائل و مشکلات آنان به سهولت انعکاس یابد و ارائه خدمات و حمایت های لازم با دقت و سرعت بیشتری صورت پذیرد (گودمن^۲، ۱۹۹۸).

ه) حمایت و پشتیبانی:

(مک للان^۳، ۲۰۰۷) پشتیبانی را به عنوان یک بعد از توانمندسازی جامعه محلی محسوب کرد. برای این که تشکل های مردمی از قدرت کافی جهت حضور همه جانبه در عرصه توسعه روستایی برخوردار شوند، می بایست حمایت های مختلف مالی و اعتباری، حقوقی و قانونی را در کنار خود داشته

1 . Hall

2 . Goodman

3 . Maclellan

باشند(گیب^۱ و رید^۲، ۲۰۰۴). ارزیابی جریان تشکیل سرمایه‌ها در روستاها، نشان می‌دهد که بخش وسیعی از جامعه روستایی توان کم و محدودی برای سرمایه گذاری دارند. جدا از دشواری‌های تشکیل سرمایه، روستائیان دسترسی کمی نیز به سرمایه دارند که با مشکلات گوناگونی همراه است. بانک‌ها در تأمین منابع مالی برای کسب و کار روستائی نقش زیادی ندارند(مدیریت روستایی، ۱۳۹۰). در صورتی که منابع قابل دسترسی برای جامعه محلی جامعه عبارتند از: منابع اقتصادی، طبیعی، نیروی انسانی، فیزیکی و سیاسی است(چاکسین^۳، ۲۰۰۱)، که نشان دهنده توان اجتماعی و اقتصادی یک جامعه است.

و) مداومت و استمرار:

مشارکت ذی‌نفعان در حل مشکلات و تصمیم‌گیری، بعد دیگر توانمندسازی جوامع محلی است و به عنوان یک فرایند مطرح می‌باشد(وریندر^۴ و تالبوت^۵، ۲۰۰۵). اگر بپذیریم که مسائل و مشکلات مستمر متناسب با مقتضیات و شرایط مکانی و زمانی در برنامه‌های توسعه روستایی بروز می‌نماید. دولت به تنهایی قادر به حل آنها نخواهد بود. لذا، حضور مداوم و مستمر مردم محلی در پیشبرد پروژه‌ها یک ضرورت تلقی می‌شود. حضور و مشارکت مردم و ذی‌نفعان در فعالیت‌های توسعه به عنوان یک ظرفیت در جامعه محسوب می‌گردد(کاپلیس^۶، ۲۰۰۵).

ارزشیابی:

به منظور کسب آگاهی از نتایج اقدامات انجام شده و ایجاد تغییر و اصلاحات لازم، هر گونه برنامه و فعالیت توانمندسازی می‌بایست مورد بازخورد و ارزیابی قرار گیرد. به نظر می‌رسد که با اعمال ابعاد توانمندسازی و اجرایی شدن آنها، بسیاری از مشکلات توسعه گردشگری روستایی صورت می‌گیرد((Roe & Ashley, 1998).

ح) موانع و محدودیت‌های توانمندسازی:

به طور کلی، محدودیت‌ها و موانعی وجود دارد که موجب عدم مشارکت روستائیان و بالطبع توانمندسازی جوامع محلی در فرایند توسعه می‌شود که می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود:

- فقدان اطلاعات بی‌سوادی و کم‌سوادی مردم

1. Gibb
2. Reid
3. Chacksin
4. Verrinder
5. Talbot
6. Cupples

- عدم اعتقاد مردم به توانایی‌ها و قابلیت‌های خودشان
- وجود نظام برنامه‌ریزی متمرکز از بالا به پایین
- وابستگی شدید روستائیان به قدرت محلی و افراد صاحب نفوذ
- وجود فرهنگ سکوت در بین مردم روستایی
- عدم مطابقت برنامه‌ها با اعتقادات و رسوم محلی و تجارت روستائیان
- نبود سازماندهی و تشکیلات مناسب برای جلب مشارکت روستائیان
- وجود مقررات دست و پا گیر اداری در امور مشارکتی روستائیان
- نفع طلبی شخصی نزد افراد مشارکت کننده روستایی
- آشنا نبودن روستائیان با فرایندهای فعالیت‌های مشارکتی
- وجود رفتارهای انفرادی به همراه جسارت از سوی روستائیان کم اطلاع
- مشارکت محلی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی.

توسعه روستایی فرایندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماع روستایی است و مشارکت شامل مهیا کردن منابع مردم محلی و حمایت از داده‌های درونی در داخل برنامه‌هایی برای ایجاد کارایی و تأثیرات مؤثر است. در واقع، اصل مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه هم زمان با تکامل و اصلاح نگرش به مفهوم توسعه جایگاه بیشتری یافته است. به عبارت دیگر، تاکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی به این دلیل است که توسعه بیش از همه به انگیزش و یادگیری نیازمند است. مشارکت در برنامه‌ریزی، فرایندی از تحقیق و گفتمان است که از طریق آن افراد عقاید خود را به متصدیان امور اعلام می‌دارند تا بدین وسیله، درکی چند جانبه از نیازهای خود به دست دهند. از سوی دیگر، متصدیان، علل و اثرات این نیازها را تجزیه و تحلیل می‌کنند و به تصمیمی مشترک و مؤثر دست می‌یابند.

ط) توانمندسازی رهیافتی در توسعه گردشگری روستایی:

امروزه، پایداری توسعه به عنوان یک فرآیند، مهم‌ترین بحث کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها نیز مستلزم بهره‌گیری از استعداد، توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آن‌ها در مراحل مختلف است. این موضوع را در پارادایم جدید توسعه (توسعه پایدار) نیز می‌توان مشاهده کرد که در آن توسعه و مشارکت را دو عنصر غیر قابل تفکیک از هم می‌دانند. می‌توان گفت تحقق توسعه پایدار روستایی نیز در گرو توسعه منابع انسانی است. روستاییان زمانی کار را از آن خود می‌دانند و در انجام آن مسئولیت و تعهد می‌پذیرند که در طرح آن مورد مشورت قرار

گرفته و یا در جریان برنامه‌ریزی و مراحل آن، فعالانه شرکت کرده باشند. نکته مشترکی که در ادبیات گردشگری پایدار وجود دارد، این است که رویکرد مبتنی بر اجتماع محلی، از الزامات توسعه گردشگری پایدار است. این امر، به‌ویژه، برای گردشگری روستایی بسیار مهم است که مردم محلی «روابط همزیستی» با محیط خود دارند. به عبارت دیگر، برای بسیاری از ساکنان محیط‌های روستایی، هر یک از عناصر کیفیت زندگی آنها مهم است و بنابراین، هر تهدید بالقوه برای محیط مانند گردشگری، به عنوان یک هزینه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (رضوانی، ۱۳۷۲).

در واقع، باید گفت توسعه از منظر مشارکت به منظور توانمندسازی و کاهش فقر، فرآیندی است که به وسیله آن فرآورده‌های اجتماعی به وجود می‌آید. نظیر ایجاد رهبری محلی، فرهنگ و روحیه کارفرمایی، کنش نوآورانه و بالا بردن توانایی مردم در انجام عمل گروهی و هماهنگ به گونه‌ای هدفمند و مؤثر که بتواند از پس تهدیدهای پیش روی خود برآیند و از فرصت‌ها استفاده کنند. در این خصوص، تاکید فزاینده‌ای به ظرفیت‌سازی شده است که معنای آن تقویت دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مردم است. در واقع، قدرت سازندگی و خلاقیت مردم باید از طریق بهبود و ارتقای توانمندی‌های آنها به گونه‌ای صورت گیرد که مردم به خصوص گروه‌های خاص مثل زنان، فقرا، کودکان و اقلیت‌ها و ... در طول این فرآیند، به عاملانی اثربخش در ایجاد تغییر و دگرگونی تبدیل شوند. در توسعه پایدار که توجه به این گروه‌ها در دستور کار قرار گرفته است، این مساله بیشتر اهمیت می‌یابد به طوری که فرصت‌ها و امکانات باید به شکلی عادلانه در اختیار عامه مردم قرار گیرد و به گروه‌های خاص به طور عمده قدرت داده شود تا در جریان تصمیم‌سازی، اجرا، ارزشیابی و بهره‌مندی از طرح‌های توسعه قرار گیرند. از این نظر توانمندسازی سبب می‌شود که محرومان، پردشدگان، زنان، اقلیت‌ها و غیره در چرخه برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی پروژه‌های توسعه‌ای که مربوط به زندگی و جغرافیای سکونت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنهاست، مشارکت نمایند و از طریق تصمیم‌گیری درست، در شناخت مسائل محلی و کارساز همراه برنامه توسعه باشند. با تقویت توانمندسازی، به عنوان سازو کار دسترسی به قدرت و تقویت مشارکت، افراد از حالت در حاشیه بودن و مورد غفلت و فراموشی قرار گرفتن رهایی می‌یابند و با پیوند دادن منافع فردی با منافع جمعی در متن فرآیندهای حیات اجتماعی قرار گرفته و ایفای نقش می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

طی چند دهه گذشته، الگوی مدیریتی حاکم بر کشور ما تمرکز گرا (از بالا به پائین) مشارکت روستائیان را در برنامه‌های اجرایی در پائین ترین حد خود قرار داده است که اثر آن در برنامه‌های

توسعه گذشته به چشم می‌خورد. به همین علت است که با وجود سرازیر شدن امکانات به روستاها، همچنان شاهد کاهش مشکلات در روستاها و به تبع آن شهرها نشده ایم و این طرح‌ها، به دلیل عدم توجه به خواست های واقعی مردم و عدم مشارکت آنان در فرایند برنامه‌ریزی، در بیشتر موارد با استقبال ساکنان روستا مواجه نشده است. ولی، امروزه، با پی بردن به اثرات منفی برنامه‌ریزی متمرکز نگرش برنامه‌ریزان نسبت به مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه روستایی تغییر یافته که منجر به بروز تحول عظیمی در روند مدیریت روستا شده است. پیامد این تغییر، استفاده از نیروهای مردمی در فرایند تصمیم‌سازی و برنامه روستایی است که طی چند سال اخیر، در مدیریت روستایی کشور با شوراهای اسلامی و دهیاران تجلی نموده است (مدیریت روستایی، ۱۳۹۰).

همچنین، در ماده ۱۰۰ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور ایران، دولت مکلف شده است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی عدالت‌های اجتماعی را با محورهای مختلف به اجرا در آورد که دو محور آن مستقیماً با نواحی روستایی در ارتباط بوده است. لازم به ذکر است، یکی از این محورها نیز به بعد مشارکت روستایی می‌پردازد که به شرح ذیل است:

اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت جوامع محلی بر اساس الگوهای نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی از طریق نظام انگیزش برای پروژه‌های عمرانی کوچک متناسب با ظرفیت‌های محلی و از طریق اعمال موارد در سطوح محلی و مشارکت‌های مردمی (برنامه چهارم توسعه)، همچنین، در سند توسعه چشم انداز ۲۰ ساله کشور، با توجه به اهمیت جوامع محلی در توسعه روستایی به تمرکززدایی و افزایش مشارکت مردمی تاکید شده است (سند چشم انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله).

استفاده از فرایند توانمندسازی جوامع محلی برای راه اندازی و گسترش کسب و کارهای کوچک روستایی، با توجه به نقش مؤثری که در راستای توسعه مقاصد روستایی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی می‌توانند ایفا کنند، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه حل‌ها برای غلبه بر معضلات مناطق روستایی محسوب می‌شوند. افزایش فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای جوانان روستایی، توزیع عادلانه‌تر درآمد، کاهش شکاف درآمدهای بین شهر و روستا، کاهش فقر، جلوگیری از مهاجرت، افزایش صادرات و کاهش واردات، امکان استفاده بهینه از منابع، امکانات موجود و مواد اولیه در مناطق روستایی، شکوفایی استعدادها و خلاقیت های روستاییان، کاهش بیکاری فصلی و دوره ای، کمک به تسریع روند

توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی (هندرسون^۱ و قادری^۲، ۲۰۱۲)، فرآوری تولیدات کشاورزی و دامداری محلی و همچنین، کمک در تسریع توسعه کشاورزی و دامداری (شامل زراعی، باغی، دام و طیور، شیلاتی و جنگل و مرتع) از جمله مهم‌ترین و مؤثرترین پیامدهای مثبت و قابل ذکر گسترش کسب و کارهای کوچک روستایی محسوب می‌شوند.

توانمندسازی در چهار مولفه نهادی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و محیطی - فضایی در توسعه روستاها در کانون توجه قرار دارند. با توجه به توانمندسازی جوامع محلی در قالب مفاهیمی نظیر مشارکت و همیاری، نیازهای اساسی و توزیع مجدد، اشتغال زائی، توسعه درون‌زا (تجهیز منابع مالی از مردم منطقه، تشویق مردم به پس انداز، به‌کارگیری پس انداز مردم در سرمایه‌گذاری و توسعه) و ... مورد نظر است که به دنبال خود، حضور مداوم و همه جانبه روستائیان در عرصه فعالیت روستایی و هدایت و توجه دادن روستائیان به افزایش انگیزش‌های خودباوری و خوداتکایی را الزامی می‌نماید. در این طرح، توسعه توسط مردم و برای مردم می‌باشد. برای مشارکت و فعال نمودن مردم در فرآیند توسعه، جلب اعتماد و باور آن‌ها ضروری است.

سخن آخر اینکه، اجتماع سالم، اقتصاد سالم می‌خواهد و اولین اصل برای سلامت اقتصادی یک جامعه، اصل افزایش و رشد ثروت ملی و تکثیر تولید است. هدف اصلی اشتغال‌زایی، کارآفرینی جمعی، افزایش توان اقتصادی مردم و بهبود معیشت آنان، کمک به فعال‌سازی اقتصادی و خروج از رکود اقتصادی، زود بازده بودن طرح و کم هزینه بودن برای دولت، کنترل و کاهش مهاجرت روستائیان به شهرها، کمک به حفظ امنیت جامعه، ایجاد و تقویت حس خودباوری و خوداتکایی، افزایش بهره‌وری و تکمیل زنجیره ارزش تولید، کاهش هزینه‌های مربوط به عدم نفع از بهره‌وری مناسب از آب و خاک، منابع طبیعی، معدن و ...، کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت، تقویت احساس تعلق و پیوند اهالی روستا به تولید و اقتصاد روستائی، از اهداف مهم در توسعه روستاها می‌باشند.

منابع

- افتخاری، عبدالرضا (۱۳۷۲). فرآیند یکپارچه سازی اراضی زراعی و توسعه روستایی، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). توسعه روستایی، با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر

نی

1 . Henderson

2 . Ghaderi

- پاپلی یزدی، محمد حسین و امیر ابراهیمی، محمد(۱۳۸۱). **نظریه های توسعه روستایی**، تهران: انتشارات سمت.
- جورج، ای. و اندا(۱۳۹۱). **توسعه گردشگری روستایی(محلی گرایی و تغییرات فرهنگی)**، مترجمین: محمدرضا رضوانی، مهدی رمضان زاده لسبویی، محمد امین خراسانی، تهران: مهکامه.
- رضوانی، محمد رضا(۱۳۸۸). **مقدمه ای بر برنامه ریزی روستایی در ایران**، تهران: نشر قومس.
- مخبر، عباس(۱۳۸۴). **برنامه ریزی در سطح ملی و توسعه روستایی**، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- مدیریت روستایی(۱۳۹۰). **معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی با همکاری دفتر امور روستایی استانداری**.
- نوری نشاط، سعید(۱۳۸۹). **پژوهش محلی و برنامه ریزی برای حفظ محیط زیست و منابع طبیعی**، تهران: نشر برگ زیتون.
- Abdul Razzaq,A. R., Mohamad Zaid, M, Suradin,A., & Razali, H.(2012). Community capacity building for sustainable Tourism Development: Experience from Miso Walai Homestay, **Business and Management Review** Vol. 2, No.5, PP: 10-19.
- Ahmeti, F.(2013). **European Journal of Scientific Research**, Vol.115, No. 4, PP: 536-543
- Bennetta, N., Harvey, R., Lemelinb, R.K.b, Budkec, I.(2012).A capital assets framework for appraising and building capacity for tourism development in aboriginal protected area gateway communities, **Tourism Management**, 33(2012), PP: 752-766.
- Chaskin, R.(2001). Building community capacity: a definitional framework and case studies from a comprehensive community initiative, **Urban Affairs Review**, Vol. 36, No. 3, PP:291–323.
- Cupples, J.(2005). **What is community capacity building?** Retrieved 3, March, 2008
- Ghaderi, Z., & Henderson, J.C.(2012). Sustainable rural tourism in Iran: A perspective from Hawraman Village, **Tourism Management Perspectives**, 2-3(2012), PP: 47-54.
- Goodman, R., Speers, M., Mcleroy, K., Fawcett, S., Kegler, M., Parker, E., et al.(1998). Identifying and defining the dimensions of community capacity to provide a base for measurement, **Health Education & Behavior**, Vol. 25, No.3, PP: 258-278.

- Hall, D. R., Kirkpatrick, I., & Mitchell, M.(Eds.).(2005). **Rural Tourism and Sustainable Business**, Channel View Publications.
- Maclellan-Wright, F., Anderson, D., Barber, S., Smith, N., Cantin, B., Felix, R., et al.(2007). The development of measures of community capacity for community based funding programs in Canada, **Health Promote**, Vol.22, No.4, PP: 299-306.
- Moseley, M.J.(2003). **Rural Development, Principals and Practice**, Sage publications, London.
- Reid, M., & Gibb, K.(2004). Capacity building' in the third sector and the use of independent consultants: evidence from Scotland. Paper presented at the **International Society for Third Sector Research 6th International Conference**, Ryerson University, Toronto, July 11-14 2004.
- Ruiz-Ballesteros, E, C aceres-Feria, R.(2016). Community-building and amenity migration in community-based tourism development. An approach from southwest Spain, **Tourism Management**, 54(2016), PP: 513-523
- Talbot, L., & Verrinder, G.(2005). **Promoting Health: The Primary Health Care Approach**(3 ed.): Elsevier, Churchill Livingstone, Australia.